

مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام

سلام امینی^۱ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸

مصطفی کواکبیان^۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

طهمورث شیری^۳

چکیده

مشارکت سیاسی به معنای فعالیت و تلاش مردم برای سهمیم شدن در ساختار قدرت سیاسی، ایجاد تعامل بین مردم و حاکمیت است که یکی از ارکان‌های مهم نظام سیاسی در اداره کشور تلقی می‌شود. استان ایلام سطح مشارکت بالاتری را در ده دوره انتخاباتی تجربه نموده است. این پژوهش قصد دارد، عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام را بررسی نماید. روش آن، پیمایش، ابزار آن پرسشنامه بوده و از جامعه آماری ۴۱۰۹۴۹ نفر، از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ نمونه به روش خوشه‌ای تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سطح مشارکت سیاسی مردم در سطح بالا (۴۳،۲) است. طبق نتایج آزمون پیرسون بین متغیر اعتماد سیاسی (۰،۴۸۱)، انسجام سیاسی - اجتماعی (۰،۴۴۵)، آگاهی اجتماعی - سیاسی (۰،۵۴۸)، تعلق طایفه‌ای - ایلی (۰،۵۸۳)، تعلق مذهبی (۰،۲۵۹)، محرومیت نسبی (۰،۲۰۱) مصرف رسانه‌های جمعی (۰،۶۴۳)، تعلق جناحی - سیاسی (۰،۴۶۵) با مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری وجود داشته و ضریب تبیین تصحیح شده برابر با ۰،۵۴۹ است.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، تعلق طایفه‌ای - ایلی، محرومیت نسبی،

استان ایلام

۱ دکتری علوم اجتماعی - جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ایران (نویسنده مسئول)
aminisalam6@gmail.com

۲ استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران ایران، mardimsalari1@yahoo.com

۳ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز ایران، shiri.tahmures@gmail.com

مشارکت سیاسی^۱ به معنای فعالیت فردی یا جمعی اعضای اجتماع با هدف اداره بهتر اداره امور سیاسی جامعه است (عباسی اسفنجیر و اسفندیاری، ۱۳۹۶: ۴۸) و به عنوان شاخص توسعه اجتماعی^۲ شامل رأی دادن و انتخاب شدن (غلامی و عرف، ۱۳۹۴). مشارکت سیاسی^۳ عبارت است از: هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بی سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی محلی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (پای و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۴۷). مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است (موحد و همکاران، ۱۳۸۷). استان ایلام از جمله استان‌های در حال گذاری است که تجربه توسعه و مدرنیته را به همراه سنت و عرف طی می‌کند. این استان به لحاظ ساختاری، بافت سنتی آن مبتنی بر نظام ایلی است که مواجهه با دنیای مدرن را، تجربه می‌کند. نظام اجتماعی جامعه سنتی، بر اساس سلسله‌مراتب اجتماعی متعددی، معنا و مفهوم می‌یابد. در این گونه جوامع، همیشه جمع بر فرد اهمیت دارد. جمع‌گرایی و الگوی طایفه‌ای از مهم‌ترین بعد تنوع فرهنگی در جامعه سنتی و ایلی است که برای تبیین تفاوت‌های بین فرهنگی گروه‌ها بکار می‌رود. در فرهنگ‌های فردگرا، تأکید عمده بر اهداف فردی است، درحالی‌که در فرهنگ‌های جمع‌گرا از جمله جوامع سنتی، اهداف جمعی را مقدم بر اهداف فردی می‌دانند. فرهنگ جمع‌گرا فرد را به انطباق با گروه خودی وامی‌دارد، ولی در فرهنگ فردگرا از افراد انتظار می‌رود که فقط مراقب خود و اعضای درجه یک خانواده خود باشند. استان ایلام با وجود ۱۲ ایل و ۳۲ طایفه مستقل که بیشتر جمعیت آن‌ها نیز ساکن در شهرها و روستاهای استان می‌باشند، قابلیت تبیین و بررسی‌های متفاوتی را در حوزه‌های مختلف می‌طلبد. یکی از حوزه‌هایی که نیازمند پژوهش هست، بحث مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات در استان ایلام و کیفیت انتخاب افراد است. با وجود شیوه‌های مدرن حضور افراد در تصمیم‌گیری‌ها اجتماعی و سیاسی و نیز تعیین سرنوشت قانونی خود، همچنان در محتوا این ابزار مدرن با تعصبات قومی و ایلی و تبار آمیخته شده است، به گونه‌ای که چنین به نظر می‌رسد که انگیزه مردم استان ایلام برای انتخاب نمایندگان مجلس خود، بیشتر نه آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی بلکه تعصبات و تحریکات قومی و احساسی است. مشارکت بالای ۷۶

درصدی مردم استان ایلام در انتخابات مجلس تحت شعاع مؤلفه‌های مختلفی است که به نظر می‌رسد مؤلفه‌های احساسی و غیر نهادی، برجستگی بیشتری داشته باشد. از این میان مقوله قبیله و وابستگی به قوم و طایفه خاص عامل مهمی برای پیروزی و موفقیت کاندیداها و آمدن مردم به پای صندوق‌های رأی است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین نرخ مشارکت مردم استان ایلام در این ده دوره به بیش از ۷۶ درصد می‌رسد که از این منظر، استان ایلام یکی از استان‌های با مشارکت بالا در کشور محسوب می‌گردد. با توجه به مباحث فوق، پژوهش حاضر قصد مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام را دارد.

۲. بیان مسئله

انتخابات نوعی کنش اجتماعی است که همواره به تعریف و تعیین میزان مشارکت سیاسی در عرصه نظام اجتماعی می‌پردازد (صفری شالی، ۱۳۹۴). مشارکت انتخاباتی تابعی از مسئله اعتماد به رسانه‌های گروهی، شخصیت‌های سیاسی و مذهبی (الگوی مرجع)، نخبگان اجتماعی (نظری و همکاران، ۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی، تعلق مذهبی، پایگاه طبقاتی (کیریش، ۲۰۱۳)، رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، رادیو داخلی، روزنامه و مجله، تعهد دینی و شیوه تربیتی خانواده و درآمد خانوار (طیبی نیا و نقدی، ۱۳۹۱)، میزان آگاهی سیاسی، میزان ارتباط با همسالانشان (کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹)، سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی، تعهد مذهبی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی (فیروزجائیان و جهانگیری، ۱۳۸۷) است. مشارکت به مفهوم تقویت اقتدار جمعی در راستای ایجاد توسعه در تحول در جامعه است و هدف اصلی آن نیل به یک ظرفیت جمعی و تسهیم در قدرت اجتماعی - سیاسی از سوی شهروندان است. مشارکت سیاسی نوعی عمل جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور سیاسی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌ها و دخالت مردم در روند انتخاب حزب، نماینده و کاندیدای موردعلاقه خود هستند. به لحاظ تاریخی مشارکت در حیات انسانی، سابقه‌ای کهن داشته و در نظریه ارسطو، منتسکیو، لویاتان، هابز و اندیشه جان لاک، اهمیت مشارکت در امور سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. هابرماس از طرح گفتگوی جمعی به مثابه عرصه عمومی در امر سیاست، به اصول و بیان تاریخی مشارکت

سیاسی توجه نموده است. مشارکت سیاسی به صورت گردهمایی در خانقاه‌ها، شوراها، قدیمی، مساجد، محافل عمومی وجود داشته، اما در قرن ۲۰ و بعد از وقایع جنگ جهانی اول و دوم، شکل مشارکت سیاسی از حالت سنتی به شکل نوین یعنی احزاب، اتحادیه‌ها، انتخابات و سایر نهضت‌های نوین سیاسی دچار تحول گردید. مشارکت سیاسی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم متناسب با بافت سیاسی و فرهنگی جوامع صورت می‌گرفت. در ایران مشارکت قدمتی طولانی دارد که نمونه تاریخی آن بنه، مشاع و کارهای گروهی بوده است که یک نوع سازوکار بومی و سنتی در جهت تقویت مشارکت مردم در امور اجتماعی بوده است و از جمله تعیین کدخدا، کلانتر، مالک و غیره، نمودهای سنتی مشارکت سیاسی در جامعه ایرانی تلقی می‌شود. استان ایلام نیز به مثابه سایر استان‌های کشور بعد از انقلاب در زمینه مشارکت سیاسی، گذاری از نوع سنتی به روش‌های باز و دموکراتیک را طی نموده است. ایلام جامعه‌ای در حال گذار از یک اجتماع سنتی به سمت یک جامعه مدرن بوده و به لحاظ بافت توسعه‌ای، نیمه سنتی و نیمه مدرن قلمداد می‌شود. ایلام یکی از آخرین مهدها و سکونتگاه‌های ایلیاتی کشور که هم‌جوار با کشور عراق است و مطابق سرشماری رسمی سال ۱۳۹۵، از مجموع ۵۸۰۱۵۸ هزار نفر جمعیت، ۶۸/۱ درصد در نقاط شهری و ۳۱/۸ درصد در نقاط روستایی و عشایری را داراست که هویت طایفه‌ای ایلی آن در نقاط مختلف آن کاملاً هویدا و آشکار است. ساختار سنتی، ایلی و شرایط اقتصادی و وجود الگوهای مرجع سنتی نقش مهم و فعالی را در سوق دادن شهروندان به سمت مشارکت سیاسی بازی می‌کنند. ساختار فرهنگی و اجتماعی آن با فرهنگ ایلی، طایفه و تنوع قومی گره خورده و می‌توان از آن به‌عنوان گنجینه ایلی نام برد. ایل، تبار، عشیره، ریش سفید و سایر عناصر سنتی، ریشه در ساختار اجتماعی ایلام دارد که این امر در ایجاد یک سرمایه اجتماعی درون گروه و برون گروه در مشارکت سیاسی بیشتر نمود پیدا می‌کند. بافت ایلی - طایفه‌ای آن در انسجام سنتی و افزایش تمایل به رقابت‌های سیاسی اثرگذاری بیشتری داشته است که این امر در دهه‌های اخیر در انتخابات مجلس شورای اسلامی بیشتر نمایان شده است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

۱. عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام در مجلس شورای اسلامی

کدامند؟

مفاهیم اساسی

- مشارکت سیاسی: مشارکت^۴، به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است. بر این اساس مشارکت، شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد حیات است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۴). مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی است (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۷۵).

- احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی، به معنای تجربه محروم بودن از چیزی است که فرد فکر می‌کند مستحق برخورداری از آن است. محرومیت نسبی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد و گروه‌ها به‌طور ذهنی خودشان را به‌طور ناعادلانه محروم‌تر از سایر افرادی می‌دانند که ویژگی‌ها و مشخصات مشابه آن‌ها را دارند و درعین‌حال، پاداش‌ها و موهبت‌های زیادی نصیب آن‌ها می‌شود (صفری شالی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

- الگوهای مرجع: گروه مرجع به گروه‌ها و مقولاتی اجتماعی اطلاق می‌شود که افراد را در توسعه و رشد ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و تصورات شخصی خود راهنمایی می‌کند (عضدانلو، ۱۳۹۲: ۵۲۳). افراد برای شکل دادن به باورها و عقاید خود و همچنین برای چگونگی عملکردهای خود در عرصه‌های گوناگون خود را با گروه‌هایی متشکل از افرادی که عقاید و عملکرد آن‌ها را نمونه می‌پندارند، مقایسه می‌کنند و از این طریق به ترسیم هویت خودشان می‌پردازند. این گروه‌های مورد مراجعه که از آن‌ها پیروی می‌شود، گروه‌های مرجع نامیده می‌شوند (هزارجریبی و آقا بیگی کلاکی، ۱۳۹۰: ۵۸).

- تعلق مذهبی: مذهب، نیروی اجتماعی قدرتمندی دارد. تاریخ، توانایی مذهب برای تمرکز و هماهنگ کردن تلاش انسان، ایجاد شکوه و توسعه و مشارکت تأیید می‌کند. مذهب علاوه بر بهره‌مندی از قدرت اجتماعی، نیروی روانی نیز دارد که می‌تواند نتایج زندگی افراد بشر را تحت تأثیر قرار دهد (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

- رسانه‌های جمعی: رسانه به هر ابزار، سازمان، نهاد مادی و غیرمادی اطلاق می‌شود که حامل پیام باشد به‌شرط آن‌که پیام منتشره آن از مقبولیت اجتماعی برخوردار باشد و موردپذیرش جامعه قرار گیرد (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹).

-تعلق طایفه‌ای-ایلی: طایفه واحد زیستی- فرهنگی متشکل از اجتماع انسانی به هم پیوسته در فضای جغرافیایی است که در آن افراد ادراک مشترکی نسبت به ویژگی‌ها و منافع یکدیگر دارند. قلمرو یا سرزمین مشخص، ارتباطات فامیلی و خویشاوندی، روابط مکانی و همسایگی، ویژگی زیستی و علایق و منافع مشترک، عناصر ساختاری و هویت بخش طایفه را تشکیل می‌دهد. افراد یک طایفه غالباً باهم خویشاوند هستند و ساکنان هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام طایفه مشخص می‌گردد. این مجموعه مکانی-فضایی مبتنی بر روابط اجتماعی - اقتصادی خاص و بستگی‌ها و پیوندهای ویژه قومی و خویشاوندی، اجتماع معینی را به وجود آورده است که طایفه نام دارد. در همین ارتباط طایفه‌گرایی، نوعی احساس و انگیزه درونی افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از محل زیست را برای ارزش‌های فراتر از مکان یا مرتبط با محل‌های دیگر ترجیح می‌دهند (میرزایی تبار همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱).

-اعتماد سیاسی: اعتماد به‌عنوان چسب اجتماعی تعریف شده که اعضا را به یکدیگر متصل می‌کند و با القای همکاری و احساسات مثبت برای کاهش نابهنجاری حیاتی است (سردارنیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۳). اعتماد سیاسی به معنای باور داشتن به صداقت، قول و قرار و سیاست‌گذاری مسئولان، داشتن حسن نیت نسبت به مقامات دولتی و نهادهای سیاسی است.

-انسجام سیاسی-اجتماعی: انسجام به مفهوم، پیوستگی اعضای یک اجتماع به همدیگر است. انسجام اجتماعی، نوعی حس ارتباط، گرایش و تعامل با دیگران است و منظور از آن احساس مسئولیت متقابل بین گروه‌ها است که از آگاهی و اراده برخوردارند و نوعی حس پیوند و تعهد عاطفی اعضای اجتماع برای همدیگر است. انسجام سیاسی - اجتماعی، باعث افزایش میزان مشارکت سیاسی شده و با افزایش آگاهی و آینده‌نگری سیاسی شهروندان، نقش آن‌ها را در کنش‌های سیاسی فعال‌تر می‌نماید (تاج‌بخش، ۱۳۹۰: ۶۷).

-تعلق جناحی-سیاسی: حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم‌ویش سازمان‌یافته است که به‌عنوان واحد سیاسی عمل می‌نمایند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند. مک آیور «حزب سیاسی را گرد هم‌آیی سازمان‌یافته برای حمایت از برخی اصول یا سیاست‌هایی که از راه‌های قانونی می‌کوشند حکومت را به دست‌گیرند تعریف می‌کند (دووزه، ۱۳۵۴: ۳۱).

- آگاهی سیاسی - اجتماعی: آگاهی سیاسی - اجتماعی عبارت از میزان اطلاعات پاسخگو از مسائل سیاسی - اجتماعی است که برای سنجش آن سؤال‌هایی از مسائل روز مطرح می‌شود. آگاهی سیاسی - اجتماعی را حساسیت نسبت به سیاست عمومی و حکومت و دستور کارهای سیاست‌مداران دانسته‌اند. منظور از آگاهی سیاسی - اجتماعی شهروندان شناخت نسبت به مسائل و تحولات سیاسی - اجتماعی است.

۳-۳. پیشینه تجربی پژوهش

- طیبی نیا و نقدی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن» باهدف بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان در استان همدان و عوامل مرتبط با آن انجام داده‌اند نتایج نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانش‌آموزان عبارت از: عواملی که اثر مثبت دارند مانند (رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، رادیو داخلی، روزنامه و مجله، تعهد دینی و شیوه تربیتی خانواده) و عواملی که تأثیر منفی دارند مانند (رادیو خارجی، ماهواره و درآمد خانوار) است.

- مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه اصفهان» و باهدف بررسی عوامل اجتماعی - روان‌شناسی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی استادان دانشگاه اصفهان انجام داده است. روش تحقیق به شیوه پیمایش بوده و حجم نمونه ۱۲۰ نفر از استادان دانشگاه اصفهان هستند. بر اساس یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین متغیرهای رسانه‌های جمعی، آگاهی سیاسی، محیط سیاسی، اثرگذاری سیاسی، انگیزه‌های سیاسی، میزان محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی سیاسی با مشارکت سیاسی وجود دارد. نتایج تحلیلی نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی بالاترین ارتباط معنادار را با مشارکت سیاسی دارد.

- کفاشی و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی ۸۹-۸۸» انجام داده‌اند. هدف آنان شناخت و میزان تأثیر عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن است. روش تحقیق پیمایش بوده همچنین حجم نمونه به روش تصادفی ۳۷۳ نفر محاسبه شده است. در میان عوامل متعدد مؤثر بر مشارکت

سیاسی، میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان، میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان، میزان فعالیت‌های دانشجویان در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی، جنسیت دانشجویان، وضعیت تأهل و رشته تحصیلی دانشجویان با مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری دارند؛ و عوامل میزان اهمیت و استفاده دانشجویان از رسانه‌های جمعی و سن دانشجویان با مشارکت سیاسی رابطه معناداری ندارند.

- غفاری هاشجین و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران» انجام داده‌اند. هدف تحقیق بررسی نقش عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران بوده است. گردآوری داده‌ها به وسیله روش پیمایشی صورت گرفته است؛ و حجم نمونه ۳۵۲ نفر بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق دانشجویان علوم سیاسی بیش از دانشجویان فنی برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر رشته تحصیلی خود بوده‌اند. از طرف دیگر دانشجویان فنی بیشتر از دانشجویان علوم سیاسی برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر فضای سیاسی دانشکده خود بوده‌اند. رابطه دانشکده محل تحصیل با مشارکت سیاسی در دو گروه معنادار نبوده. انگیزه دانشجویان دو گروه برای مشارکت سیاسی متفاوت نشان داده شده. به طوری که در گروه علوم سیاسی تأثیر دوستان و خانواده و سپس انگیزه سیاسی سهم بیشتری برای مشارکت سیاسی داشته، اما در گروه فنی، دوستان، انگیزه سیاسی و محیط سیاسی تأثیرگذارتر از سایر انگیزه‌ها بوده است.

- فیروزجانیان و جهانگیری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای که با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان نمونه مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه تهران» انجام داده‌اند، هدف آنان تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان بوده است. این تحقیق به شیوه پیمایش انجام گرفته و به وسیله پرسش‌نامه از ۳۷۹ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران اطلاعات گردآوری شده. نتایج تحلیل دومتغیره نشان می‌دهد که از میان ۲۱ متغیر مستقل، بین ۱۶ متغیر (سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، نوع شغل پدر، منزلت شغلی مادر، محل سکونت فرد، وضعیت اقتصادی، نوع دانشکده، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، شرکت در انجمن‌های ارادی، تعهد مذهبی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، گرایش به رسانه‌ها) و مشارکت سیاسی فرد رابطه معناداری موجود بوده و بین پنج متغیر

مستقل (تحصیلات فرد، وضعیت شغلی فرد، نوع شغل مادر، منزلت شغلی پدر و قومیت) و مشارکت سیاسی فرد هیچ‌گونه رابطه معناداری دیده نشده است. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره اهمیت نظریه جامعه‌پذیری در تبیین مشارکت سیاسی را به‌خوبی نشان می‌دهد. - نیک‌پور قنواتی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی» نشان می‌دهند که محل تولد، تحصیلات، شغل، طبقه اجتماعی، جهت‌گیری مذهبی، درآمد، استفاده از رسانه‌های جمعی، سیاسی بودن خانواده، سیاسی بودن دوستان و علاقه به برنامه‌های سیاسی با مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری دارند. بین سن، تأهل و قومیت با مشارکت سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشده است. تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که پنج متغیر جهت‌گیری مذهبی، سیاسی بودن، دوستان، علاقه به برنامه‌های سیاسی، استفاده از رسانه‌های جمعی و تحصیلات در مجموع ۴۷ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را تبیین کردند.

- تنی و هانکوینت (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «: بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی» با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می‌پردازند. نتایج نشان داد که متعهدین و دین‌داران فعالیت بیشتری در حوزه‌های سیاسی داشتند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

- کیریش^۵ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی غیر دموکراتیک در اروپای غربی، اروپای شرقی و کشورهای یوگسلاوی سابق» بر اساس نظریه اینگلههارت^۶ استدلال می‌کند که مردم در کشورهای که به لحاظ اقتصادی اجتماعی توسعه یافته‌ترند از نظر سیاسی نیز فعال‌ترند و افرادی که گرایش‌های غیر دموکراتیک دارند، از نظر سیاسی نیز کمتر فعال‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شهروندان و زنان در کشورهای پساکمونیست، که فرهنگ سیاسی محدودتری دارند، از لحاظ سیاسی کمتر فعال‌اند و در مقایسه با هم‌تاهای غربی خود در فرایندهای سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند.

۴-۳. نقد پژوهش‌های پیشین و تمایز آن با پژوهش فعلی

مطالعات صورت گرفته درباره مشارکت سیاسی بیشتر در جوامع توسعه یافته و با ساختار

و بافت منسجم و کمتر سنتی صورت گرفته است. پژوهش حاضر ضمن اینکه از یافته‌های پژوهش‌های پیشین استفاده می‌کند، در موارد زیر وجوه متمایزی دارد.

- ۱- استان ایلام یک اجتماع در حال گذار و سنتی است که روند تجربه مدرنیته را طی می‌کند و این امر بر مشارکت سیاسی آن‌ها اثرگذار است.
- ۲- همچنان بافت طایفه‌ای - ایلی و نقش و اثرگذاری آن‌ها بر روند مشارکت سیاسی، نقطه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌هاست.
- ۳- داشتن نگاه تاریخی و بررسی وقایع تاریخی در زمینه مشارکت سیاسی در استان ایلام و ارتباط آن با یافته‌های پیمایشی فعلی، امر مهمی است که در مطالعات قبلی کمتر دیده می‌شود.
- ۴- اطلاعات و آگاهی داشتن مردم استان ایلام می‌تواند بر میزان مشارکت سیاسی بیشتر آنان تأثیر بگذارد.
- ۵- رسانه‌های جمعی و به‌ویژه فضای مجازی در میان قشر جوان متأثر از سنت و بافت قبیله‌ای - طایفه‌ای می‌تواند اثر غیرقابل‌انکاری بر میزان مشارکت سیاسی مردم استان ایلام داشته باشد.

۳-۵. چارچوب نظری پژوهش

- جرج گربنر: بر اساس جرج گربنر^۷ تأثیرات تلویزیون بر مخاطبان، اندک، تدریجی و غیرمستقیم است، ولی به‌صورت انباشتی و در درازمدت رخ می‌دهد (ویژگی کشت دهنده تلویزیون). بر اساس این تئوری، تلویزیون به‌عنوان رسانه‌ای مدرن جایگاهی چنان محوری یافته است که منجر به غلبه آن بر محیط نمادین شده و پیام‌هایش در ارتباط با واقعیت، جای تجربه شخصی و سایر وسایل شناخت جهان را گرفته است. (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۳۹۹).

رسانه‌ها جمعی به‌عنوان یکی از منابع تعیین‌کننده (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۱۵) نقش بسیار مؤثری در جامعه‌پذیری سیاسی بازی می‌کند.

- بیکر: سرمایه‌های اجتماعی از طریق منابع انسانی از قبیل مهارت‌های انسانی به وجود آمده‌اند، منابعی که توانایی افراد را برای رفتارهای جمعی افزایش می‌دهد (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲). سرمایه سیاسی نقش مهمی در میزان مشارکت سیاسی شهروندان دارد. وجود اعتماد سیاسی، آگاهی سیاسی و انسجام سیاسی در بین شهروندان، نخبگان و

اجتماع، سطح مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

آلموند و وربا: نوع نظام سیاسی و ساختارهای مشارکتی، نقش مهمی مشارکت سیاسی مردم دارند (سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸: ۱۲۰ و ۱۲۱). تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی عامل تعیین کننده مشارکت سیاسی هستند (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲). به زعم وی، فرهنگ سیاسی یعنی دانش فرد درباره ملت، نظام سیاسی، احساساتش نسبت به آن، آگاهی در باره نقش نخبگان و باورهای آنان، خط مشی، ساخت‌ها، تصمیم‌های سیاسی افراد، باور و پنداشت فرد نسبت به خود در اجتماع، تعیین سطح مشارکت سیاسی هستند. فرهنگ سیاسی یک ملت، تابعی از نگرش حاکمان به مردم و نگرش مردم به حاکمان و نوع برداشتی که از نظام سیاسی وجود دارد هست.

ساموئل هانتینگتون: به‌زعم وی، معیارهای توسعه سیاسی، پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری و یگانگی هستند. در واقع مشارکت، همان فعالیت شهروندان خصوصی برای تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری است (سبکتگین ریزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۳). به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی کوشش‌های شهروندان عادی برای اثرگذاری بر سیاست‌های عمومی است. وی تلاش‌های مردم عادی در هر نوع نظام سیاسی در جهت نفوذ بر کار حاکمان و تغییر رفتار آنان را از وجوه مشارکت سیاسی می‌داند (سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده که از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می‌کند و نگرش را نسبت به توانایی‌های او در تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌ها مساعد می‌سازد. این نگرش زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. سپس، فرایند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثر می‌گذارد؛ عضویت در گروه‌ها و سازمان‌ها احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (حسین‌زاده و فدایی ده چشمه، ۱۳۹۱: ۶۶ و ۶۷).

توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگرا هست (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۴). از نظر وی انسان سنتی، همیشه توقع ساکن بودن، عدم‌تغییر در طبیعت و جامعه را دارد، ولی انسان نوین با نگرش‌ها طرز تلقی‌های مختلفی روبه‌رو است. او امکان هر تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آن‌ها وفق می‌دهد (سبکتگین ریزی و همکاران، ۱۳۹۵:

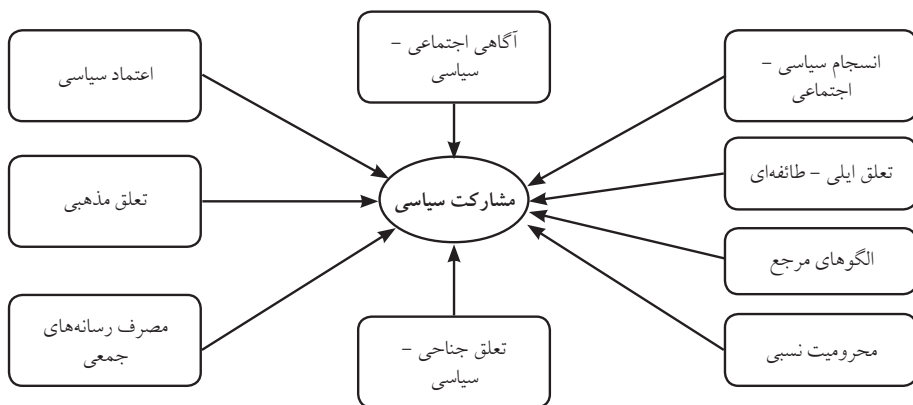
۱۰۴). هانتینگتون، همچنین رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. هانتینگتون به تأثیر از لرنر، نوسازی را فرایندی چندبعدی می‌داند که در همه زمینه‌های اندیشه و فعالیت جریان دارد (یاسمی و محسنی مشتقین، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

لیپست: وی با بیان ارتباط بین توسعه اقتصادی و دموکراسی معتقد است که میزان رفاه و توسعه اقتصادی کشورها را می‌توان به صورت عامل مهمی برای توسعه‌یافتگی سیاسی و دموکراسی در نظر گرفت (یاسمی و محسنی مشتقین، ۱۳۹۶: ۱۷۴). متغیرهای مورد نظر لیپست در تبیین مشارکت سیاسی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: ۱) موقعیت اقتصادی خانواده؛ ۲) موقعیت اجتماعی فرد؛ ۳) موقعیت سیاسی-وذهنی فرد (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۶). لیپست علاوه بر تأکید بر همبستگی بین شهرنشینی، گسترش سواد و رسانه‌های گروهی و پیدایش نهادهای مشارکتی دموکراتیک، به تشریح طبقات اجتماعی در این امر می‌پردازد. بر این اساس، توسعه اقتصادی باعث افزایش درآمد می‌شود که این خود امنیت بیشتر اقتصادی و گسترش تحصیلات بالاتر را در پی دارد و می‌تواند اساس و شالوده دموکراسی را پی‌ریزی کند. نکته دیگر در رهیافت لیپست این است که افزایش ثروت بر طبقه متوسط مؤثر واقع می‌شود با گسترش طبقه متوسط در کشورهای ثروتمند، نوعی طبقه‌بندی اجتماعی الماس گونه به وجود می‌آید. از آنجاکه اعضای طبقه متوسط به سازمان‌های سیاسی داوطلبانه (احزاب سیاسی و سایر انجمن‌ها) خواهند پیوست، بنابراین می‌توانند بر قدرت دولت نظارت کنند و به صورت منبع تشکیل افکار عمومی جدید برای رسانه‌های جمعی درآیند و نیز قادر خواهند بود شهروندان را در تحصیل مهارت‌های سیاسی آموزش دهند و سرانجام سبب ترغیب مشارکت سیاسی شوند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۴).

۳-۶. مدل مفهومی پژوهش

بر این اساس مدل مفهومی پژوهش با استفاده متفکران رسانه جمعی (محسنی، ۱۳۸۰ و مک‌کوایل، ۱۳۸۵)، اعتماد سیاسی، انسجام سیاسی-اجتماعی (موحد و همکاران، ۱۳۸۷؛ امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، تاج‌بخش، ۱۳۹۰)، الگوی مرجع (سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲)، تعلق مذهبی، محرومیت نسبی، تعلق جناحی-سیاسی

(سبکتگین ریزی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حسین‌زاده و فدایی ده چشمه، ۱۳۹۱؛ یاسمی و محسنی مشتقین، ۱۳۹۶)، تعلقات طایفه‌ای -ایلی (میرزائی تبار و همکاران، ۱۳۹۶)، آگاهی سیاسی - اجتماعی (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶) و مشارکت سیاسی (عباسی اسفنجیر و اسفندیاری، ۱۳۹۶؛ سروش و همکاران، ۱۳۹۲؛ امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳) به شرح ذیل تدوین شده است.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳-۷. فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین انسجام سیاسی-اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین آگاهی اجتماعی-سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تعلق طایفه‌ای-ایلی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تعلق مذهبی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مصرف رسانه‌های جمعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تعلق جناحی-سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین الگوهای مرجع و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۳. روش پژوهش

روش اجرای پژوهش فعلی از نوع پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه

است. با استفاده از فرمول کوکران از جامعه آماری ۴۱۰۹۴۹، نمونه ۳۸۴ نفر انتخاب و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه تصادفی انتخاب گردید.

جدول شماره ۱: جامعه و نمونه انتخابی پژوهش

نام شهرستان	کل جمعیت ۱۸-۸۰ سال	درصد	حجم نمونه
ایلام	۲۱۳۵۷۹	۵۲	۲۰۰
ایوان	۴۸۸۳۳	۱۲	۴۶
دره شهر	۵۹۵۵۱	۱۴.۵	۵۶
ملکشاهی	۲۲۵۸۷	۵.۵	۲۱
دهلران	۶۶۳۹۹	۱۶	۶۱
جمع کل	۴۱۰۹۴۹	۱۰۰	۳۸۴

تعریف عملیاتی مفاهیم

- مشارکت سیاسی: این متغیر از طریق گویه‌های شرکت در راهپیمایی‌ها، شرکت در انتخابات، صرف، وقت جهت اطلاع از اخبار و وقایع سیاسی و انتخابات مجلس شورای اسلامی، شرکت و فعالیت در ستادهای انتخاباتی، پیگیری بحث و مناظرات سیاسی، عضویت در تشکل‌های سیاسی، شرکت در جلسات و مباحث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انتخاباتی در مجلس شورای اسلامی، نگرش مطالب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در راستای مشارکت سیاسی و انتخابات مجلس شورای اسلامی در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند.

- محرومیت نسبی: این متغیر از طریق گویه‌های درآمد خانواده، مسکن، تفریحات، اتومبیل، محل زندگی، امکانات آموزشی منطقه محل سکونت شما، امکانات بهداشتی منطقه محل سکونت، امکانات رفاهی در محل زندگی، وضعیت اقتصادی خود، فرصت‌های شغلی در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند.

- الگوی مرجع: این متغیر از طریق گویه‌های دوستان، روحانیون و علما، معلمان و اساتید دانشگاهی، احزاب سیاسی، ورزشکاران، هنرمندان و بازیگران سینما، رسانه‌های اجتماعی، اعضای خانواده، منتقدان و روشنفکران سیاسی در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند.

- تعلق مذهبی: این متغیر از طریق گویه‌های در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح

ذیل سنجیده شده‌اند: تعلق به یک سنت دینی و هویت یافتن با آن برای من مهم است، ارجاع به یک سنت دینی برای هویت فرهنگی - قومی من مهم است. من به خاطر اخلاق و ارزش‌هایی که دین بر آن‌ها صحنه می‌گذارد به دین متمایلیم. دین به من کمک می‌کند که به شیوه‌ای اخلاقی زندگی کنم. وقتی با یک دوراهی اخلاقی مواجه می‌شوم، دین به من کمک می‌کند تا تصمیم بگیرم. من مناسک دینی را دوست دارم. مناسک، فعالیت‌ها و اعمال دینی به من احساس مثبتی می‌دهند. عقاید دینی مفاهیم مهمی برای درک وجود انسان در خود دارند.

- رسانه‌های جمعی: این متغیر از طریق گویه‌های میزان استفاده از رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، سایت‌های اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی (اینستا، تلگرام، سروش، واتساپ)، اطرافیان، سایر منابع) در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند.

- تعلق طایفه‌ای-ایلی: این متغیر از طریق گویه‌های در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند: اگر دوباره متولد می‌شدم، دوست داشتم عضو همین طایفه باشم. به شنیدن موسیقی قوم و طایفه خودم علاقه‌مندم، من به فرهنگ طایفه و قوم خود افتخار می‌کنم، عضویت من در گروه قومی، نقش مهمی در زندگی من ایفا می‌کند. در مقابل مردم هم‌زبان و هم‌ایلم، احساس مسئولیت می‌کنم. در راستای منافع قومی، سعی می‌کنم از اعضای گروه قومی دیگر فاصله بگیرم، هرکس باید قوم و هم‌طایفه‌ای خود را حمایت کند. قومیت نامزد، از برنامه‌اش، برایم مهم‌تر است

- اعتماد سیاسی این متغیر از طریق گویه‌های در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند: کارگزاران تمام نهادها به وعده‌هایشان عمل می‌کنند. نهادهای سیاسی و دولتی جامعه به نظر مردم اهمیت می‌دهند. در تمامی بخش‌های دولتی پارتی‌بازی وجود دارد. مسئولین بیشتر نهادها از موقعیت شغلی خود سوءاستفاده می‌کنند. تمامی ادارات مطابق با قانون رفتار می‌کنند. دولت مردان به فکر خدمت به مردم‌اند. هرگاه به اداره یا نهادی مراجعه داشتم با من عادلانه رفتار شده است. من روی هم‌رفته به مسئولان حکومتی اعتماد دارم و می‌دانم آن‌ها خدمت‌گزار مردم هستند، به اعتقاد من حکومت جمهوری اسلامی، بهترین گزینه در تعیین نظام سیاسی ایران بوده است. حفظ نظام جمهوری اسلامی از واجبات است.

- انسجام سیاسی-اجتماعی: این متغیر از طریق گویه‌های در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند: من خانواده و دوستانم را می‌بینم که بیشتر اوقات در انتخابات شرکت می‌کنند. بیشتر اعضای خانواده و دوستانم در نزدیکی من زندگی می‌کنند و اغلب به ملاقات من می‌آیند. من به جایی که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنم، احساس تعلق دارم. من به سیستم سیاسی و ملی اعتماد دارم. مسائل سیاسی کشورم را باعلاقه دنبال می‌کنم. اغلب درباره موضوعات سیاسی با خانواده و دوستانم بحث می‌کنم، به شنیدن عقاید سیاسی دیگران علاقه‌مندم، بحث با افرادی که عقاید سیاسی متفاوتی با من دارند، بی‌فایده است.

- تعلق جناحی-سیاسی: این متغیر از طریق گویه‌های در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند: به کاندیدایی رأی می‌دهم که همفکر سیاسی خودم باشد. برای من مهم است که چه کسی و از کدام تفکر سیاسی در انتخابات نامزد شود. وجود تفکر سیاسی برای مشارکت سیاسی کارآمد می‌دانم، ترجیح می‌دهم آگاهی سیاسی‌ام را از طریق عضویت در یک جناح سیاسی افزایش دهم، عقیده دارم که هر شهروند باید عضو یک جناح یا تفکر سیاسی باشد. همیشه در جریان انتخابات از یک جناح سیاسی خاص حمایت می‌کنم. سعی می‌کنم برنامه‌های جناح سیاسی همفکرم را پیگیر کنم. برای هر شهروند باید مهم باشد که کدام جناح سیاسی، چه شخصیتی و با چه سابقه‌ای به‌عنوان کاندیداتور معرفی می‌کند.

- آگاهی سیاسی-اجتماعی: این متغیر از طریق گویه‌های در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت به شرح ذیل سنجیده شده‌اند: تا چه میزان با روند انتخابات ریاست جمهوری در کشورمان آشنا هستید؟ تا چه اندازه تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و واکنش غرب و امریکا در مقابل آن را دنبال می‌کنید؟ تا چه میزان با کارکرد و وظایف شورای نگهبان آشنا هستید؟ تا چه حدی با ساختار و نحوه عملکرد مجلس شورای اسلامی آشنایی دارید؟ تا چه میزان از ارکان و نحوه انتخاب مسئولان قوه قضاییه آگاهی دارد؟ به چه میزان وقت خود را برای اطلاع از اخبار و وقایع اختصاص می‌دهید؟ به چه میزان به نوشتن و خواندن مقاله و مطالب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه علاقه‌مند هستید؟ به چه میزان در جمع دوستان و آشنایان از مباحث سیاسی روز (نظیر تحریم، برجام، داعش و خاورمیانه) صحبت می‌کنید؟ تا چه اندازه با روند انتخابات مجلس شورای اسلامی آشنایی دارید؟

- روایی و پایایی پژوهش

روایی پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر و نیز اعتبار سازه‌ای تضمین گردیده است. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیات پژوهش در اختیار اساتید و متخصصین قرار داده شد و نقطه نظرات آن‌ها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. پایایی پژوهش در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: پایایی پژوهش

شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
اعتماد سیاسی	۰,۷۲
انسجام سیاسی-اجتماعی	۰,۷۹
آگاهی سیاسی-اجتماعی	
محرومیت نسبی	۰,۷۷
تعلق طایفه‌ای-ایلی	۰,۷۵
تعلق مذهبی	۰,۸۱
تعلق جناحی-سیاسی	۰,۷۰
الگوهای مرجع	۰,۷۳
مصرف رسانه‌های جمعی	۰,۷۸
مشارکت سیاسی	۰,۷۲

معرفی استان ایلام

استان ایلام با مساحتی بالغ بر ۲۰۱۳۸ کیلومتر مربع، بیش از ۵۸۰ هزار نفر را در خود جای داده است، این استان با سه استان کرمانشاه از شمال و لرستان از شرق و خوزستان از جنوب شرقی همسایه است و همچنین ۴۲۵ کیلومتر از مرزهای بین‌المللی (کشور عراق) را در غرب استان به خود اختصاص داده است. این استان در فروردین‌ماه سال ۱۳۵۳ از استان کرمانشاه منفک گردیده است. استان ایلام در زمانی که فرمانداری کل و جز استان کرمانشاه بود چهار دوره از انتخابات مجلس شورای ملی را تجربه کرده است. همچنین این استان در ادوار بیست و بیست‌ویک و بیست‌ودو مجلس شورای ملی دارای یک حوزه انتخاباتی و یک نماینده بوده است اما در ادوار بیست‌وسه و بیست‌وچهار مجلس شورای

ملی به دو حوزه انتخاباتی (شمال و جنوب) با دو نماینده تبدیل شده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل مجلس شورای اسلامی، استان ایلام از دوره اول تا پنجم همچنان دارای دو حوزه انتخاباتی (شمال و جنوب) و دو نماینده بوده است که بر اساس تقسیمات کشوری و افزایش جمعیت از دوره ششم تا هم‌اکنون (دوره دهم) یک نماینده به حوزه شمال اضافه شده است و در مجموع استان ایلام در حال حاضر دارای سه نماینده در مجلس شورای اسلامی هست. حوزه انتخاباتی شمال شامل شهرستان‌های (ایلام، ایوان، سیروان، چرداول، ملکشاهی و مهران) با دو نماینده هست و حوزه انتخاباتی جنوب استان شامل شهرستان‌های (آبدانان، بدره، دره شهر و دهلران) با یک نماینده است.

۴. یافته‌های پژوهش

الف) توصیفی

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از ۶۶,۱ پاسخگویان مرد و ۳۳,۹ زن، میانگین سنی ۳۶,۵۵، ۲۷,۱ مجرد، ۷۲,۱ متأهل، ۰,۸ مطلقه/همسر فوتی درصد بوده است. ۶,۸ نفر بیکار، ۲۱,۱ شغل آزاد، ۵۸,۱ کارمند، ۶,۵ محصل/دانشجو، ۶ درصد خانه‌دار و ۱,۶ سایر درصد بوده است. ۶۷,۴ دارای مسکن ملکی، ۲۴ استیجاری/رهن و سایر ۸,۶ درصد بوده است. ۰,۸ بی‌سواد، ۱,۳ ابتدایی/راهنمایی، ۱۰,۴ دبیرستان/دیپلم، ۶,۳ پیش‌دانشگاهی، ۹,۶ کاردانی، ۳۷,۵ لیسانس، ۳۳,۹ فوق‌لیسانس و بالاتر و ۰,۳ تحصیلات حوزوی بوده است. کرد برابر با ۷۸,۱ درصد، لر برابر با ۱۰,۷ درصد، لک برابر با ۱۰,۴ درصد و عرب برابر با ۰,۸ درصد بوده است. بیشتر پاسخگویان متعلق به ایل کلهر ۳۷(۹/۶) بوده است. ۴۵,۸ از پاسخگویان گروه مستقل، ۱۱,۵ اصلاح‌طلبان، ۱۸,۸ اصول‌گرایان، ۱۱,۷ گروه اعتدال بوده است. ۶,۸ علاقه‌مند به عضویت در گروه جدیدی هستند و در نهایت ۲,۱ درصد در هیچ‌یک از آن‌ها تعلق ندارند.

۲-۴. توزیع پراکندگی کلی متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۳: توزیع پراکندگی شاخص اصلی پژوهش

متغیر	میانگین	طبقات (درصد)		
		پایین	متوسط	بالا
اعتماد سیاسی	۱۵,۹	۵۷,۳	۲۶,۸	۳۳,۳۶۶۶
انسجام سیاسی-اجتماعی	۲۵,۳	۶۶,۹	۷,۸	۳۱,۱۵۶۳
آگاهی اجتماعی-سیاسی	۴۳,۵	۳۶,۷	۱۹,۸	۳۰,۵۲۰۸
تعلق طایفه ای-ایلی	۳۶,۵	۵۰,۸	۱۲,۸	۴۰,۸۶۷۲
تعلق مذهبی	۷۳,۲	۲۱,۹	۴,۹	۴۴,۱۰۹۴
محرومیت نسبی	۳۸,۸	۵۳,۱	۸,۱	۲۵,۹۵۵۷
مصرف رسانه‌های جمعی	۲۷,۳	۵۱,۳	۲۱,۴	۲۱,۶۹۲۹
تعلق جناحی-سیاسی	۳۶,۵	۴۹,۰	۱۴,۶	۲۶,۷۱۳۵
الگوهای مرجع	۲۴,۷	۴۰,۶	۳۴,۶	۲۷,۹۰۸۹
مشارکت سیاسی	۴۳,۲	۳۵,۹	۲۰,۸	۳۲,۶۳۲۸

ب) استنباطی

جدول شماره ۴: نتایج آزمون پیرسون

متغیرهای مستقل	مقدار ضریب	سطح معناداری	نتیجه
اعتماد سیاسی	۰,۴۸۱	۰,۰۰۰	تأیید
انسجام سیاسی-اجتماعی	۰,۴۴۵	۰,۰۰۰	تأیید
آگاهی اجتماعی-سیاسی	۰,۵۴۸	۰,۰۰۰	تأیید
تعلق طایفه ای-ایلی	۰,۵۸۳	۰,۰۰۰	تأیید
تعلق مذهبی	۰,۲۵۹	۰,۰۰۰	تأیید
محرومیت نسبی	۰,۲۰۱	۰,۰۰۰	تأیید
مصرف رسانه‌های جمعی	۰,۶۴۳	۰,۰۰۰	تأیید
تعلق جناحی-سیاسی	۰,۴۶۵	۰,۰۰۰	تأیید
الگوهای مرجع	۰,۴۸۱	۰,۰۰۰	تأیید

نتایج نشان می‌دهد که:

-اعتماد سیاسی: بین متغیر اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی در سطح خطای کمتر از

۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. مقدار این ضریب همبستگی برابر با ۰,۴۸۱ بوده است.
 -انسجام سیاسی - اجتماعی: بین متغیر انسجام سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی در سطح خطای کمتر از ۵٪ رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی آن برابر با ۰,۴۴۵ است.

-آگاهی اجتماعی - سیاسی: بین متغیر آگاهی اجتماعی - سیاسی و مشارکت سیاسی با ضریب اطمینان بالای ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد و ضریب همبستگی آن معادل ۰,۵۴۸ هست

-تعلق طایفه‌ای - ایلی: بین متغیر تعلقات طایفه‌ای - ایلی با مشارکت سیاسی با ضریب اطمینان بالای ۹۵٪ و خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد
 -تعلق جناحی - سیاسی: بین تعلق جناحی - سیاسی و مشارکت سیاسی در حد خطای کمتر از ۵٪ رابطه معناداری وجود داشته است.

-تعلق مذهبی: بین تعلقات مذهبی و مشارکت سیاسی در حد خطای کمتر از ۵٪ رابطه معناداری وجود داشته است. مقدار این ضریب برابر با ۰,۲۵۹ بوده است. هرچه تعلقات مذهبی بیشتر؛ میزان مشارکت بیشتر می‌شود.

-محرومیت نسبی: بین محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در حد خطای کمتر از ۵٪ رابطه معنی‌داری وجود داشته است. مقدار این ضریب برابر با ۰,۲۰۱ بوده است. هرچه محرومیت نسبی بیشتر باشد، میزان مشارکت با امید به اصلاح وضعیت جامعه بیشتر می‌شود.
 -مصرف رسانه‌های جمعی: بین مصرف رسانه‌های جمعی و مشارکت سیاسی با ضریب اطمینان بالای ۹۵٪ رابطه معناداری وجود داشته است. مقدار این ضریب برابر با ۰,۶۴۳ بوده است.

-الگوهای مرجع: آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین الگوهای مرجع و مشارکت سیاسی در سطح خطای کمتر از ۵٪ رابطه معناداری وجود داشته است. مقدار این ضریب برابر با ۰,۴۸۱ بوده است.

۴-۵. رگرسیون چندگانه

جدول شماره ۵: آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه

۰,۷۴۹	ضریب همبستگی چندگانه
۰,۵۶۱	ضریب تبیین
۰,۵۴۹	ضریب تبیین تصحیح شده
۷,۹۸۸۹۳	اشتباه معیار
۲,۰۱۱	آزمون دوربین واتسون

- ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰,۷۴۹، که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تبیین برابر با ۰,۵۶۱، و ضریب تبیین تصحیح شده ۰,۵۴۹، هست. بدین معنا که ۵۴ درصد از کل تغییرات متغیر مشارکت سیاسی به وسیله ۶ متغیر باقی مانده در مدل رگرسیونی که شامل متغیرهای الگوی مرجع، مصرف رسانه‌های جمعی، تعلق سیاسی-جناحی، آگاهی سیاسی-اجتماعی و اعتماد سیاسی، تعلق طایفه‌ای-ایلی هست، تبیین می‌شود.

۴-۶. تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۶: تحلیل مسیر مستقیم و غیرمستقیم مشارکت سیاسی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	سطح معنی داری
الگوهای مرجع	۰,۱۳۷	۰,۱۱۷	۰,۲۵۴	۰,۰۰۱
مصرف رسانه‌های جمعی	۰,۲۷۳	۰,۱۹۴	۰,۴۶۷	۰,۰۰۰
تعلق جناحی-سیاسی	۰,۱۱۲	-	۰,۱۱۲	۰,۰۰۰
آگاهی سیاسی-اجتماعی	۰,۲۱۹	۰,۰۶۹	۰,۳۶۰	۰,۰۰۰
اعتماد سیاسی	۰,۱۵۲	-	۰,۱۵۲	۰,۰۰۰
تعلق طایفه‌ای-ایلی	۰,۳۶۱	-	۰,۳۶۱	۰,۰۰۰
انسجام سیاسی-اجتماعی	۰,۱۶۰	-	۰,۱۶۰	۰,۰۰۰

۵. بحث و نتیجه گیری

استان ایلام نیز به مثابه سایر استان‌های کشور بعد از انقلاب در زمینه مشارکت سیاسی، گذاری از نوع سنتی به روش‌های باز و دموکراتیک را طی نموده است. ایلام جامعه‌ای در

حال گذار از یک اجتماع سنتی به سمت یک جامعه مدرن بوده و به لحاظ بافتی توسعه‌ای نیمه سنتی یا نیمه مدرن قلمداد می‌شود. ساختار سنتی، ایلی و شرایط اقتصادی و وجود الگوهای مرجع سنتی نقش مهم و فعالی در سوق دادن شهروندان به سمت مشارکت سیاسی را در آن بازی می‌کند. ساختار فرهنگی و اجتماعی آن با فرهنگ ایلی، طایفه و تنوع قومی گره خورده و می‌توان از آن به‌عنوان گنجینه ایلی نام برد. ایل، تبار، عشیره، ریش سفید و سایر عناصر سنتی، ریشه در ساختار اجتماعی ایلام دارد که این امر در ایجاد یک سرمایه اجتماعی درون گروه و برون گروه در مشارکت سیاسی بیشتر نمود پیدا می‌کند. بافت ایلی - طایفه‌ای آن در انسجام سنتی و افزایش تمایل به رقابت‌های سیاسی اثرگذاری بیشتری داشته است که این امر در انتخاب مجلس شورای اسلامی بیشتر نمایان می‌شود. هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که:

- **اعتماد سیاسی:** اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری دارد. هرچه اعتماد سیاسی بیشتر، مشارکت سیاسی نیز به همان اندازه بیشتر می‌شود. نظام‌های سیاسی مبتنی بر اعتماد نسبت به آن نظام هستند و استمرار و تداوم آن نیز بستگی به سطحی از اعتماد سیاسی و مشارکت مردم در امور سیاسی دارد. اعتماد سیاسی، یک نوع انتظار از برآورده شدن چشم‌داشت‌ها درباره مسائل سیاسی از نظر شهروندان است؛ به‌گونه‌ای که مردم استان ایلام، به‌ویژه در نقاط محروم و روستایی که سالیان متمادی از نظر امکانات رفاهی، محروم بودند، با حداقل برآورده شدن نیازها و انتظارات اجتماعی، قانع شده و نسبت به تصمیمات سیاسی و سیاست‌گذاری کلان (اعم از انتخابات و غیره) اعتماد و وفاداری بیشتری از خود نشان می‌دهند. اعتماد سیاسی ضمن کاهش اضطراب و استرس و ناباوری نسبت به عملکرد نظام سیاسی، باعث رغبت بیشتر شهروندان به مشارکت در امور سیاسی از جمله انتخابات می‌گردد. این متغیر توانسته است ۱۵،۰ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید. اعتماد سیاسی باعث افزایش همبستگی قوی بین اجتماع و برانگیختن روحیه تعاون جمعی برای مشارکت سیاسی می‌گردد. هرچه اعتماد سیاسی قوی‌تر باشد، مشارکت سیاسی نیز آسان‌تر و بیشتر است. بر این اساس در مشارکت سیاسی، اعتماد یک عنصر کلیدی است. این یافته با نتایج امام‌جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۳) و نظری و همکاران (۱۳۹۲) همسو

بوده و آن‌ها را تأیید می‌نماید.

- **انسجام سیاسی-اجتماعی:** انسجام سیاسی-اجتماعی به وجود پیوند بین شهروندان و کنشگران در عرصه امور سیاسی و اجتماعی اطلاق می‌شود. وجود این انسجام، رقابت اجتماعی را در عرصه مشارکت سیاسی تقویت می‌کند. قرار گرفتن در یک شبکه اجتماعی و تداوم این ارتباط به صورت پایدار، تمایل به مشارکت سیاسی را ارتقا می‌بخشد. متغیر انسجام سیاسی-اجتماعی توانسته ۱۶،۰ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی در استان ایلام را تبیین نماید. این انسجام در صورت نیاز، حمایت‌های سودمند گروهی را در مشارکت سیاسی فراهم می‌کند؛ یعنی اگر فرد بخواهد در موقعیت‌های مهم اجتماعی مراجعین را جذب کند، داشتن پشتوانه اجتماعی ضروری بوده و ممکن است به صورت نوعی پول رایج در مبادله و کنش سیاسی تبدیل گردد. شکل فوق‌العاده‌ای از انسجام سیاسی-اجتماعی که در داخل یک جمع تجویز می‌شود این هنجار است که شخص باید نفع خود را فروگذارد و در جهت منافع جمع عمل کند. هنجاری از این قسم که به پشتوانه حمایت اجتماعی، شأن و موقعیت، افتخار و عزت اشخاص تقویت می‌شوند، یعنی این انسجام، اعضای خانواده را به ایثار و چشم‌پوشی از نفع شخصی به خاطر اجتماع وامی‌دارد.

- **آگاهی اجتماعی-سیاسی:** آگاهی سیاسی-اجتماعی، به درجه و کیفیت و میزان اطلاعات فردی از وقایع سیاسی اطلاق می‌شود. هرچه میزان آگاهی سیاسی-اجتماعی افزایش یابد، به همان میزان سطح مشارکت سیاسی شهروندان نیز افزایش خواهد یافت. درجه آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان از جمله دست‌یابی به جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و درجه صحت و درستی منابع اطلاعاتی با مشارکت سیاسی رابطه‌ای مستقیم دارد. مقدار اثر این متغیر در مدل رگرسیون چندگانه برابر با ۳۶،۰ است. به این معنی که متغیر آگاهی سیاسی-اجتماعی به‌تنهایی توانسته است ۳۶،۰ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی در استان ایلام را پیش‌بینی و تبیین نماید. این نتیجه با یافته‌های پژوهشی نیک پور قنوتی و همکاران (۱۳۹۱)، فیروزجانیان و جهانگیری، (۱۳۸۷)، مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. بدین معنا هرچه آگاهی اجتماعی-سیاسی مردم استان ایلام بالاتر رود، مشارکت سیاسی آن‌ها نه از نوع قبیله‌ای-طایفه‌ای، بلکه از سنخ فرایلی-قومی و یا به عبارتی مشارکت عقلانی-فعالانه مدنی افزایش پیدا می‌کند.

- **تعلق طایفه‌ای-ایلی:** بین طایفه‌گرایی و مشارکت رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشت. هرچه میزان طایفه‌گرایی در شهروندان زیادتر، به همان میزان مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد، به گونه‌ای که می‌توان گفت با کاهش شدت طایفه‌گرایی، سطح مشارکت سیاسی نیز کاهش می‌یابد. این متغیر در مدل رگرسیون چندگانه نیز توانسته است ۰,۳۶ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین نماید. جامعه استان ایلام، دارای یک نظام اجتماعی-ایلی از بزرگان طایفه‌ها و تیره‌ها است که نقش و کارکرد این دستگاه، گردآوری افراد در جهت مشارکت سیاسی است. از این طریق، بافت ایلی استان، وحدت، یکپارچگی، پشتوانه درون‌گروهی، نظم و امنیت اجتماعی و سیاسی را در درون ایل ایجاد و حفظ نموده است و کنش‌های سیاسی را نیز سامان‌دهی می‌نماید. طوایف مختلفی در استان ایلام وجود دارند و علی‌رغم تحولات ساختاری در شکل روستاها و رواج شهرنشینی، هنوز این نظام به قوت خود باقی مانده است که پیوستگی و علائق طایفه‌ای و ایلی را در کنش سیاسی پررنگ‌تر می‌نماید. یکی از دلایل حفظ این سنت، احتمالاً احساس نیاز به وجود جمع و کارکرد مثبت آن در آینده اجتماع است؛ که از خرد جمعی برای حل نیازهای اجتماع، پیوستگی طایفه‌ای و قومی استفاده می‌کنند. در واقع عضوی از یک طایفه یا ایل بودن، احساسی از تعلق و هویت به ساکنان اجتماع استان ایلام می‌بخشد و آن‌ها را از انزوا خارج می‌کند و در تعاون و همکاری با دیگران قرار می‌دهد که با یافته‌های نیک پور قنواتی و همکاران (۱۳۹۱)، کیربیش (۲۰۱۳)، طیبی‌نیا و نقدی (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

- **مصرف رسانه‌های جمعی:** مصرف رسانه‌های جمعی پیوستگی مستقیم و معنی‌داری با مشارکت سیاسی داشته است. هرچه میزان مصرف رسانه‌های جمعی در شهروندان افزایش یابد، به همان میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد. وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل ایجاد تغییرات در جوامع بشری به جامعه و افراد آن کمک می‌کند تا در مسیر و خط‌مشی معین خود موفق‌تر و با آگاهی و اطلاعات بیش‌تری حرکت و روند مشارکت سیاسی تسریع شود و در چگونگی تعامل متقابل شهروندان تأثیر گذاشته و کنش‌ها و واکنش‌ها را جهت‌دار و متناسب با دیگر ابعاد جامعه بسازد. در اصل رسانه‌های جمعی، مکانیسم اعلام پیام‌ها و افکار و انتقال مفاهیم به یکدیگر در امور سیاسی است. رسانه‌های جمعی، قبل از انقلاب اسلامی ایران و در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی، نمود آنچنانی در

استان ایلام نداشتند، اما با گذشت زمان و تجهیز بخش قابل توجهی از زیر ساخت‌ها، وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند و مردم به ویژه جوانان از گونه‌های مختلف آن (فضای مجازی) بهره زیادی می‌گیرند و در موسم انتخابات به فراخور شرایط، به عنوان ابزاری مهم جهت افزایش مشارکت سیاسی مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. متغیر مصرف رسانه‌های جمعی در مدل رگرسیونی چندگانه نیز توانسته است ۰,۶۶ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید. این یافته با نتایج ادیبی سده و کیهانی (۱۳۸۵)، کفاشی و همکاران (۱۳۸۹)، سروش و حسینی (۱۳۹۲)، غفاری و نیازی (۱۳۸۶)، نظری و همکاران (۱۳۹۲)، مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۱)، فیروزجائیان و جهانگیری (۱۳۸۷) و ادیبی سده و کیهانی (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

- تعلق جناحی-سیاسی: بین تعلق جناحی-سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معنی دار و مستقیمی داشته است. هرچه تعلق جناحی-سیاسی شهروندان بیشتر باشد، این امر بسترهای مشارکت سیاسی را نیز تقویت می‌کند. در استان ایلام، داشتن تعلق جناحی-سیاسی، ایفاگر نقشی حساس و مهمی در امر مشارکت سیاسی شهروندان هستند. این امر با کارکردهایی از قبیل گسترش مشارکت سیاسی، ایجاد مقبولیت اجتماعی، یکپارچگی ملی، آموزش‌های سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی، در تقویت مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد. داشتن تعلق جناحی-سیاسی، باعث باور عمیق به برخی اصول و با داشتن هدف یا اهداف مشترک در جامعه، شبکه‌های سیاسی را در سطح محلی و اجتماعی در جهت مشارکت سیاسی تقویت می‌کند. متغیر تعلق جناحی - سیاسی در مدل رگرسیونی چندگانه، توانسته است ۰,۱۱ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید. این نتیجه با یافته‌های پژوهش نیک پور قنواتی و همکاران (۱۳۹۱)، نظری و همکاران (۱۳۹۲)، نیک پور قنواتی و همکاران (۱۳۹۱)، همسو است.

- الگوهای مرجع: آزمون پیرسون حاکی از ارتباط معنی دار و مستقیم بین الگوهای مرجع و مشارکت سیاسی شهروندان است. وجود الگوهای مرجع، در جامعه ایلام، نقش مهمی در مشارکت سیاسی شهروندان داشته است. یکی از بهترین راه‌های بسیج مردم برای مشارکت سیاسی، بهره‌گیری از گروه‌های کوچک و منسجم در استان ایلام است. این گروه‌ها توانایی بسیج سریع افراد را دارند. معمولاً افراد از این گروه‌ها برای ارزیابی خود استفاده

می‌کند. هدف اصلی تشکیل گروه‌های مرجع، اعتبار و مقایسه اجتماعی است. این گروه‌ها تأثیر زیادی بر رفتار مردم دارند و معمولاً با گروه‌های دیگر تفاوت دارند. گروه خانواده، دوستان و گروه‌های مذهبی معمولاً برای بیشتر افراد نوعی گروه مرجع قوی به شمار می‌روند. گروه مرجع یکی از این مکانیسم‌های انتقال فرهنگ سیاسی محسوب می‌شود. متغیر الگوهای مرجع در مدل رگرسیونی چندگانه، توانسته است ۰٫۲۵ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید. الگوی مرجع در فرهنگ‌های جمع‌گرا نقش مؤثر و مفیدی را در راستای ترغیب به مشارکت سیاسی بر عهده دارند. این نتیجه با یافته‌های پژوهشی غفاری هاشم‌چین و همکاران (۱۳۸۹)، نظری و همکاران (۱۳۹۲)، نیک‌پور قنوتی و همکاران (۱۳۹۱)، فیروزجانیان و جهانگیری (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

۶. منابع

امام‌جمعه‌زاده، سید جواد، مهرابی کوشکی، راضیه، رهبر قاضی، محمود رضا (۱۳۹۳)، بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۰، بهار.

بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

پای، لوسین و بایندر، لئونارد و لاپالومبارا، جوزف و وربا، سیدنی و واینر، مایرون (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تاج‌بخش، کیان (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه

حسین‌زاده، علی و فدائی ده چشمه، حمید (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهرکرد)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دوم، شماره پنجم.

دورژه، موریس (۱۳۵۴)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

سبکتگین ریزی، قربانعلی و روهنده، محمد و بساطیان، سید محمد و جعفری، احمد (۱۳۹۵)، رضایت‌مندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هفتم، شماره پیاپی ۲۳.

سراج زاده، حسین (۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی، در دین‌داری و سکولارشدن، تهران: طرح نو

سردارنیا، خلیل‌الله، قدرتی، حسین، اسلام، علیرضا (۱۳۸۹)، تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی شهرستان مشهد و سبزوار، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره

- سروش، مریم، حسینی، مریم (۱۳۹۲)، نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی؛ بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دهم، شماره دوم، ص ۹۳-۱۲۵.
- سید امامی، کاووس و عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس: مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم.
- صفری شالی، رضا (۱۳۹۴)، بررسی رفتار رأی دهندگی ایرانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره سوم.
- صفری شالی، رضا (۱۳۹۷)، تبیین جامعه‌شناختی علل دسترسی آسان به مواد مخدر در استان اصفهان، همکار طرح: طاها عشایری، اصفهان: ستاد مبارزه با مواد مخدر استان اصفهان.
- طیبه نیا، موسی، نقدی، اسدالله (۱۳۹۱)، بررسی مشارکت سیاسی دانش آموزان و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۷، پاییز.
- عباسی اسفنجیر، علی اصغر و اسفندیاری، مجتبی (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری)، دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۷۸-۴۷.
- عضدانلو، حمید (۱۳۹۲)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- عقبلی، محسن و دلاور، علی (۱۳۹۰). «بررسی دیدگاه‌های اساتید علوم اجتماعی نسبت به نقش رسانه‌های دیداری (تلویزیون، ماهواره و اینترنت) در فرایند جهانی شدن با تأکید بر سیاست‌های فرهنگی ایران»، فصلنامه فرهنگ ارتباطات، سال اول، شماره اول، ص ۳۱-۶۰.
- غفاری هشیجین، زاهد؛ بیگی نیا، عبدالرضا؛ تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
- غلامی، محمدرضا و عرف، جمال (۱۳۹۴)، مدل معنایی رفتار انتخاباتی در نظام مردم‌سالاری دینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره سوم.
- فیروزجائیان، علی اصغر، جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران، مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان.
- کفاشی، مجید، نوابخش، مهرداد، پاشا زاده آذری، فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره ۷، تابستان.
- گلابی، فاطمه و رضایی، اکرم (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین

- دانشجویان، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره یکم. محسنی، منوچهر؛ جارالهی، عذرا (۱۳۹۱)، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: یادداشت مسعودنیا، حسین، محمدی فر، نجات، مرادی، گلرمد، فروغی، عاطفه (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی- روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره ۲۴، زمستان.
- مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- موحد، مجید، عنایت، حلیمه، پور نعمت، آرش (۱۳۸۷)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، «ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی»، شماره ۸۷. میرزائی تبار، میثم، حسینی، سیدمحمدحسین و وحید صادقی (۱۳۹۶)، تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی (نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه مَمَسَنی)، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی دوره ۲ شماره ۶.
- نظری، سید غنی؛ بشیری گیوی، حسین؛ جنتی، سعید (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱، زمستان.
- نیک پور قنواتی، لیلیا، معینی، مهدی و احمدی، حبیب (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسان زنان، سال سوم، شماره اول، صص ۳۹-۶۲.
- هاشمی، سید ضیاء، فولادیان، مجید، فاطمی امین، زینب (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، زمستان، صص ۲۲-۱۹۹-۲۲۶.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- هزارجریبی، جعفر و آقاییگی کلاکی، محمد (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر برگزینش گروه مرجع در بین دانشجویان (مطالعه جامعه‌شناختی تغییر گروه مرجع در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و صنعتی اصفهان)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۶، صص ۵۳-۹۸.
- یاسمی، محسن و محسنی مشتقین، علی (۱۳۹۶)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان (موردبررسی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام)، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره سوم، شماره دوم.

Kirbis. A. (2013). Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries, Democracy in Transition.

1. Political participation
2. Social Development
3. Political participation
4. Participation
5. Kirbis. A
6. Inglehart,s Theory
7. George Gerbner.